

الله الرحمن الرحيم

١٩١٢



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع

حقوق زن پس از طلاق

استاد راهنما

جناب آقای دکتر علی مصلحی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر ابوالحسن محمدی

نگارش

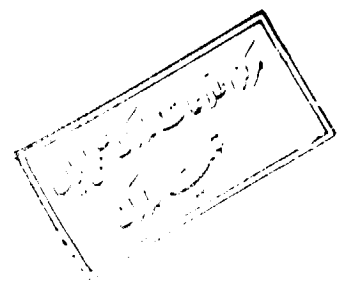
محمد دهقانی نقندر

سال تحصیلی ۷۶-۷۷

۱۹۸۱۳

۰۰۴۱۴۰

۱۳۷۷ / ۱۱ / ۲۰



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بخش اول:	۶
حقوق مالی زن پس از طلاق	۶
فصل اول : حقوق مالی زن پس از طلاق رجعی	۷
مبحث اول : طلاق رجعی و ماهیت رجوع	۷
قسمت اول : رجوع	۱۱
قسمت دوم : رجوع مق است یا مکم ؟	۱۳
قسمت سوم : رجوع از طلاق قضائی و بدرخواست زن	۱۵
مبحث دوم : نفقه زن پس از طلاق رجعی	۱۷
مبحث سوم : ارث زوجهین پس از طلاق رجعی	۲۱
مبحث چهارم : اختلاف در زمان انقضای عده مطلقه رجعیه	۲۳
فصل دوم : حقوق مالی زن پس از طلاق بائن	۲۸
مبحث اول : طلاق بائن	۲۸
مبحث دوم : طلاق فلع و مبارات	۳۱
قسمت اول : تفاوت این دو طلاق	۳۱
ماهیت مقوقی طلاق فلع و مبارات	۳۲
تبصره ۱ : رجوع زن به فدیة	۳۹
تبصره ۲ : عنصر کراهت در طلاق فلع و مبارات	۴۰
مبحث سوم : نفقه زن مامل پس از طلاق بائن	۴۵
قسمت اول : ماهیت نفقه زن مامله	۴۷
مبحث چهارم : بررسی ارث زن در صورت طلاق بائن	۵۳

عنوان	صفحه
فصل سوم: اجرت المثل و نحله پس از طلاق	۵۷
مبحث اول: اجرت المثل	۵۸
مبحث دوم: نمله (بفشش اجباری)	۶۳
مبحث سوم: شرط تنصیف دارائی مرد پس از طلاق و تقدیم	۶۸
آن برای اجرت المثل نمله و	۶۸
فصل چهارم: مهر زن پس از طلاق و اثرات تصویب تبصره	۷۲
ماده ۱۰۸۲ ق.م	۷۲
مبحث اول: ماهیت مهر	۷۶
مبحث دوم: اقسام مهر	۷۹
قسمت اول: طلاق قبل از نزدیکی و مق زن نسبت به مهر	۸۱
قسمت دوم: طلاق پس از نزدیکی و مق زن نسبت به مهر	۸۶
مبحث سوم: تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م امتساب مهر به قیمت روز	۸۸
قسمت اول: توضیح و نقد اجمالی تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م	۹۱
قسمت دوم: ارتباط این تبصره با ربا	۹۳
گفتار اول:	۹۵
ماهیت ربا	۹۵
گفتار دوم: ماهیت پول و اسکناس	۹۹
قسمت سوم: ارتباط تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م با فسارت تأخیر تأدیه	۱۰۲
گفتار اول: فسارت تأخیر تأدیه و نظرات شورای نگهبان راجع به آن	۱۰۳
گفتار دوم: تفاوت فسارت تأخیر تأدیه با مفاد تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م	۱۰۹
گفتار سوم: لزوم امیای فسارت تأخیر تأدیه در شرایط معین	۱۱۱
گفتار چهارم: تأثیر مطالبه دین توسط دائن در امتساب فسارت	۱۱۶
تأخیر تأدیه و امتساب مهر	۱۱۶
قسمت چهارم: نتیجه	۱۱۹

صفحه	عنوان
۱۲۲	بخش دوم
۱۲۲	حقوق غیرمالی زن پس از طلاق
۱۲۳	مقدمه
۱۳۱	فصل اول: حق زن نسبت به نگهداری و تربیت طفل پس از طلاق
۱۳۲	مبحث اول: مفهوم وارکان مضانت
۱۳۴	قسمت اول: نگهداری طفل
۱۳۶	قسمت دوم: ارتباط شیردادن مادر با نگهداری طفل
۱۴۱	قسمت سوم: تربیت کودک
۱۴۳	قسمت چهارم: ارتباط تربیت کودک با تنبیه
۱۴۵	قسمت پنجم: هزینه نگهداری و تربیت کودک
۱۴۹	مبحث دوم: ماهیت مضانت و مق زن نسبت به آن
۱۵۰	قسمت اول: ماهیت مضانت کودک
۱۵۶	قسمت دوم: مق زوجة مطلقه نسبت به مضانت کودک
۱۷۰	مبحث سوم: عوامل سقوط یا موانع اجرای مضانت:
۱۷۱	قسمت اول: عوامل قهری سقوط مضانت مادر
۱۷۹	قسمت دوم: عوامل ارادی سقوط مضانت مادر
۱۸۷	فصل دوم: ازدواج مجدد زن پس از طلاق
۱۸۸	مبحث اول: مق زن نسبت به ازدواج مجدد دائم
۱۹۵	مبحث دوم: مق زن نسبت به عقد موقت
۱۹۸	نتیجه:
۲۰۲	منابع و مأخذ اصلی

به نام خدا

مقدمه :

طلاق شایعترین عامل انحلال نکاح و جدائی زن و شوهر است با اینکه پیامبرگرامی اسلام طلاق را مکروه ترین شی نزد خود می داند^(۱) بااینحال بخاطر مصالح زن و مرد و نیز بخاطر مصالح اجتماعی و شاید گاهاً بخاطر مصالح فرزندان این امر مکروه از نظر اسلام مورد پذیرش واقع شده است .

گرچه شارع مقدس بر نکاح و پایبندی زن و مرد بر مقررات مربوط به آن تاکید نموده و به طرق مختلف زن و مرد را بر ادامه زندگی و اجتناب از طلاق و جدائی رهنمون ساخته است بااینحال هرگاه زندگی خانوادگی که باید کانون عشق و صفا و محبت باشد به محل کشمکش و جدال مبدل شد و زن و شوهر به دلیل عدم تفاهم یا غرور یکی یا هر دو ، توان تحمل همدیگر را نداشتند و مهربانی و محبت جای خود را به کینه و نفرت سپرد بطور طبیعی زوجین خوشبختی خویش را در همسری دیگر جستجو کرده و دلبستگی خویش به همسر فعلی را از دست میدهند دراین صورت نه تنها اجبار زن و مرد به ادامه زندگی مشترک سودی ندارد بلکه ممکن است خطرات مهلکی اعضای خانواده را مورد تهدید قرار دهد چه بسا ممکن است مردیازن برای رهایی از دست دیگری به اقدامی جنون آمیز دست یازیده و خود یا همسر خویش را نابود سازد و چه بسا در اثر سختگیری قانون یا دادگاه زن بدون احترام به رابطه زوجیت در اثر ضعف مذهبی اقدام به خیانت به همسر بنماید یا مرد بدلیل عدم تمکین زن یا بدلیل نفرت زوجین از یکدیگر بدنبال تامین نیاز خود بوده و خود را آلوده فساد و تباهی نماید.

۱- این حدیث را مولوی به شکل شعری زیبا به صورت زیر آورده است

توانی پامنه انداز فراق بغض الاشیاء عندی الطلاق

علاوه بر این خطرات مسئله فرزندان این زندگی غبارآلوده و غم گرفته نیز قابل تامل است! برخوردهای لفظی و احتمالاً درگیریهای فیزیکی پدر و مادر و خشونت آنان که جای مهر و محبت آنها را نسبت به فرزندان گرفته است اثرات نامطلوبی از لحاظ روحی و جسمی و اخلاقی بر روی کودک میگذارد. درست است که برخورداری کودک از محبت والدین بیشترین ارزش را برای کودک دارد اما هرگاه در زندگی مشترک بدلیل عدم تفاهم هیچ عشق و محبتی یافت نشود زندگی کودک بایکی از والدین و دور از کشمکش های خشونت بار مسلماً بهتر از زندگی با هر دوی آنهاست.

با توجه به این توضیح طلاق با همه کراهتی که دارد و با همه لطماتی که به زندگی زن و مرد و نیز به زندگی فرزندان مشترک آنها^{بارد} می آورد و با وجود شکستن غرور زن و مرد و گاهی ادامه زندگی انفرادی همراه با مشکلات جانبی دیگر، با اینحال هرگاه چاره ای برای بهبود وضع زندگی مشترک و راهی برای بازگرداندن عشق و محبت به خانه و خانواده وجود نداشته است، برای نجات زن و مرد و فرزندان آنها از درگیری های لفظی و احتمالاً فیزیکی روزانه و پیاپی این داروی تلخ بعنوان آخرین راه حل تجویز شده است.^(۱)

اما هنگامیکه این داروی تلخ تجویز گردید و زن و مرد بارضایت یه این «بد ضروری» از یکدیگر جدا شدند، مشکلات مختلفی از لحاظ فردی و اجتماعی هریک از اعضای خانواده سابق را می تواند رنجور سازد؛ پس از متلاشی شدن کانون خانواده و جداسدن زوجین از یکدیگر هریک از آنها تا حدی با آشفتگی روحی مواجه می شوند. تعمق در زندگی سابق و علل شکست و ناکامی نکاح پیشین یکی از دلایل این آشفتگی است. بعلاوه محبت و عاطفه چیزی نیست که ب راحتی از ضمیر انسان

زدوده شود محبت طی سالها در دل انسان ایجاد شده و ریشه دوانیده و حداقل ماهها زمان می خواهد تا این محبت از ذهن و دل بیرون رود

« سعدی بروزگاران مهری نشسته بردل بیرون نمی توان کرد الا بروزگاران » یکی دیگر از مشکلات نسبتاً طاقت فرسایی که پس از طلاق متعرض زن و مرد میشود و با توجه به وضع خاص قانون و نیز با عنایت به محبت و مهربانی و عاطفه بیشتر زن، موجب آشفتگی و رنجش بیشتر او می گردد مسئله دوری از فرزند یا فرزندان است؛ دوری و جدائی از شوهر چون بر اثر کدورت و تقصیر احتمالی هر دو یا یکی از آنها بوده است موجب تقلیل محبت گشته وزنی که در اواخر رابطه زوجیت عشق و محبتی از همسر سابق مشاهده نکرده است شاید بتواند با کمی سختی او را بفراموشی سپارد اما موجودی که هیچگاه از قلب زوجه مطلقه بیرون نمی رود فرزندی است که ماهها او را در رحم داشته و آمال و آرزوهای خویش را در او جستجو می نموده و پس از چندین ماه با تحمل مشقات او را به دنیا آورده و از شیر خویش او را تغذیه نموده و زمینه رشد و نمو و شیرین زبانی او را فراهم کرده است. جدائی احتمالی از چنین فرزندی برای زن بسیار ملال آور و درد آفرین است بازجوع به دادگاههای رسیدگی کننده به اختلافات خانوادگی هر از چندگاه چشمان اشک بار مادرانی دیده میشود که از غم فراق فرزند می سوزند و تنها برای ملاقات فرزند دلبند خویش از دادرس استمداد می جویند.

علاوه بر این مشکلات عاطفی و سختیهای مربوط به تنهایی، زن پس از طلاق ممکن است از لحاظ مالی نیز دارای مشکلات متعددی باشد مشکلات مالی هرگاه در اثر ظلم و ضایع نمودن حقوق زن توسط شوهر سابق باشد غیر قابل تحمل است.

گرچه اصولاً طلاق موجب انحلال نکاح بوده و علی القاعده پس از آن زن و مرد نباید حق و حقوق چندانی در برابر هم داشته باشند با اینحال زنی که سالها در کنار شوهر سابق زندگی کرده و تمام سرمایه مادی و معنوی خویش را فدای زندگی

سابق نموده و احتمالاً سالها برای رفاه حال خود و شوهر و فرزندان بافداکاری متحمل زحماتی شده و خود را وقف خانه و خانواده نموده است اکنون که با طلاق از طرف شوهر پناهگاه خویش را از کف داده است از لحاظ مالی نیز در برابر شوهر دارای حقوقی می باشد تا با وجود همه مشکلات روحی پس از طلاق حداقل برای مدتی با مشکل مالی مواجه نبوده و از زندگی متناسب باشان خود برخوردار باشد. آنچه انگیزه نویسنده از انتخاب رساله حقوق زن پس از طلاق گردید مشاهده اجحاف و ظلمی بود که بعضاً نسبت به برخی از زنان این کشور اسلامی روا داشته میشود. آگاهی هرچه بیشتر زنان از حقوق خویش تاثیر فراوانی جهت مسدود نمودن هرراهی که منتهی به ستم بر آنها گردد، خواهد داشت و نیز مشاهده مشکلات زنان پس از طلاق چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ غیرمالی همت نویسنده را برانگیخت تا هرچه بیشتر برای روشن نمودن حقوق آنان بکوشد و دراین راه با دوری از افراط و تفریط، از توسل به قانون و استناد به کتب معتبر فقهی و نیز نظر اندیشمندان و اساتید حقوقی دریغ نورزد. از آنجا که مشاهده آراء دادگاهها و بررسی رویه قضائی تاثیر فراوانی در شناخت حقوق فعلی زوجات مطلقه دارد نویسنده باحضور در دادگاهها سعی در استفاده از آراء دادرسان در خصوص مسائل مربوط به طلاق و حقوق زنان پس از آن نموده است.

این رساله در دو بخش حقوق مالی و حقوق غیر مالی زن پس از طلاق مورد مطالعه قرار میگیرد. بخش اول به حقوق مالی زن پس از طلاق اختصاص می یابد دراین بخش، در فصل اول و دوم تحت عناوین حقوق مالی زن پس از طلاق رجعی و طلاق بائن ضمن بررسی این دو نوع طلاق نفقه و ارث زن پس از هر دو نوع طلاق بطور جداگانه مورد بررسی قرار میگیرد فصل سوم و چهارم مربوط به حقوق مالی زن پس از هر دو طلاق رجعی و بائن بطور مشترک است در فصل سوم اجرت المثل و نخله زن پس از طلاق مورد بحث قرار خواهد گرفت و در فصل چهارم ضمن

بررسی مهر زن پس از طلاق تبصره اخیرالتصویب ماده ۱۰۸۲ ق م و اثرات آن را بر خسارت تاخیر تادیه و ربا مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

در بخش دوم نوبت به حقوق غیرمالی زن پس از طلاق میرسد. مهمترین حق غیرمالی زن پس از طلاق حق زن نسبت به حضانت فرزند یا فرزندان است. اگر ضایع نمودن حقوق مالی زن برای او قابل تحمل باشد ضایع نمودن حق او نسبت به نگهداری از فرزند خویش و یا حق او برای ملاقات و درآغوش کشیدن کودک خویش قابل تحمل و اغماض نیست لذا در این بخش ابتدا در فصل اول به حق زن نسبت به نگهداری و تربیت فرزند خواهیم پرداخت و در فصل دوم حق زن نسبت به ازدواج مجدد مورد بررسی قرار میگیرد؛ گرچه بهنگامی که از حق زن پس از طلاق سخن بمیان می آید تنها حقوقی متبادر به ذهن میشود که از نکاح منحل شده سابق برای او به یادگار مانده است با اینحال چون موضوع رساله حاضر بطور مطلق حقوق زن پس از طلاق بوده و اختصاص به حقوق ناشی از نکاح سابق ندارد و باتوجه به اینکه پس از طلاق مشکلات فراوانی در راه ازدواج مجدد زوجات مطلقه به چشم می خورد نویسندگان بر آن شد تا بعنوان یکی از حقوق غیرمالی زن پس از طلاق به این امر مهم نیز بپردازد.

امید است این مختصر بتواند مورد تایید اساتید محترم حقوق بویژه اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر علی مصلحی و جناب آقای دکتر ابوالحسن محمدی که افتخار تلمذ از محضرشان را نصیب این حقیر فرمودند قرار گرفته و نیز گامی در مسیر آشناساختن زنان با حقوق خویش و رساندن جامعه به عدالت مورد تایید شارع مقدس بحساب آمده و راهی را برای برخورداری نویسندگان از نظرات و راهنمایی های اساتید و صاحب نظران بگشاید.

بخش اول:
حقوق مالی زن پس از طلاق

فصل اول: حقوق مالی زن پس از طلاق رجعی

طلاق یکی از طرق انحلال نکاح و یک عمل حقوقی یک طرفه (ایقاع) است که توسط مرد انجام میشود گاهی با انجام این عمل حقوقی رابطه زوجیت بطور کامل قطع شده و ایجاد چنین رابطه ای مستلزم انعقاد عقدی دیگر با موافقت طرفین است و گاهی گسیختن کامل رابطه زوجیت تنها با اجرای صیغه طلاق تحقق نمی یابد بلکه جدائی کامل زمانی صورت میگیرد که مدت عده سپری شده و مرد دراین مدت اظهار پشیمانی نکرده و برای از سرگیری زندگی سابق به زوجه رجوع نکرده باشد. بدیهی است وجود رابطه زوجیت بین زن و مرد متضمن وجود حقوق و تکالیفی برای طرفین است و علی القاعده پس از گسیختن این رابطه آنها خود را مستحق حقوقی نسبت به یکدیگر ندانسته و تکالیفی نیز بردوش خود احساس نمی کنند. اما چون در طلاق رجعی نکاح بطور کامل منحل نشده و هنوز نخهایی از ریسمان پیونددهنده بین طرفین باقی مانده است لذا به حکم قانون زن و مرد دارای حقوق و تکالیف خاصی پس از این طلاق در برابر هم هستند.

برای شناخت حقوق مالی زن پس از طلاق رجعی قبل از هرچیز لازم است خود طلاق رجعی رجوع و ماهیت آن شناخته شود پس از آن در محبت دوم نفقه زن پس از طلاق رجعی مورد بحث قرار خواهد گرفت در محبت سوم ارث زن پس از طلاق رجعی و در محبت چهارم اثرات اختلاف در انقضای عده را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

مبحث اول: طلاق رجعی و ماهیت رجوع

طلاق تنفربارترین اعمال حلال در اسلام است شارع مقدس و به تبع آن قانون به عناوین مختلف و با گذاشتن قیود متعدد برای طلاق سعی در انصراف زن و شوهر از جدائی دارند. در دوران زناشوئی وظایف شرعی و دیون واجبه زن و شوهر را نسبت به همدیگر معین میکند. در همه حال دستور خوشرفتاری داده و

برای شوهر بدخلق برطبق احادیث عواقب اخروی مهیا ساخته است و زن را برپاکدامنی و عفت و خوشرفتاری و زینت و آرایش برای شوهر خویش ترغیب نموده است، برای جلوگیری از عمیق شدن اختلافات احتمالی یکی را که معمولاً از توانائی جسمی بیشتر و اراده قویتری برخوردارست (شوهر) بعنوان رئیس این سازمان کوچک تعیین نموده است تا ضمن مدیریت صحیح در موارد اختلاف حرف آخر را بزنند. بااینحال هرگاه این رئیس خانواده قادر به اداره این سازمان نبود و بدلیل سوء مدیریت و یاسوء رفتار خویش و یا برعکس سوء رفتار و نشوز عضو سازمان (زوجه) نتوانست روح همبستگی و اتحاد در محیط خانه فراهم آورد و طرفین در اثر بی توجهی بدستورات اسلام خوشبختی خود را نه در همدلی دراین سازمان بلکه در جدائی و طلاق جستجو کردند دراین صورت اسلام برای طلاق قیود متعددی را شرط صحت آن اعلام نموده که اختلافات سطحی و عصبانیت ها موجب از هم پاشیده شدن این نهاد نشود، یکی ازاین قیود طلاق در طهر غیرموقعه است بدینصورت که لازم است پس از پاک شدن زن از عادت ماهیانه هیچ نزدیکی بین زن و شوهر واقع نشده باشد، این قید برای اینست که اگر اختلاف هنوز بشکل عمیق در قلوب زوجین رسوخ نکرده باگذشت این مدت طرفین آشتی را برجدائی ترجیح دهند. قیود دیگری از قبیل لزوم حضور دو شاهد عادل و اجرای صیغه بالفظ مخصوص لزوم مراجعه به داور و اهتمام داوران در اصلاح بین طرفین و مانند اینها از مواردی است که تنفر اسلام را از طلاق و اهتمام شارع را برای جلوگیری از جدائی زن و شوهر نشان میدهد.

اما هرگاه همه این دستورات واجب و توصیه های مستحب راد بجایی نبرد و زوجین در اثر عدم تفاهم همه قیود را پشت سر گذاشته و به طلاق دست یافتند دراین صورت اسلام بازهم تاحد ممکن طرفین را بحال خود رها نکرده است بلکه علی القاعده پس از طلاق هم زوجین را مکلف به انجام وظایفی دانسته که شاید یکی

از علل تشریع این وظایف احیای زندگی نیمه مرده قبلی باشد، بیشتر وظایفی که زن و شوهر پس از طلاق نسبت به هم دارند در طلاق رجعی است، در این نوع طلاق انحلال نکاح بطور کامل انجام نشده است شوهر مکلف به سکنی دادن زن در منزل مشترک است او باید نفقه زن را بدهد^(۱) در صورت وفات یکی از زوجین در زمان عده، دیگری از او ارث می برد^(۲) خواستگاری از مطلقه رجعیّه حرام است، زنای با او زنای با زن محصنه قلمداد شده و علاوه بر عقوبت کیفری موجب حرمت ابدی می گردد شوهر نمی تواند در زمان عده با خواهر زن خود ازدواج کند و نکاح با برادرزاده و یا خواهرزاده زن منوط به اذن زن است، در قبال وظایفی که شوهر در زمان عده دارد قانون به او اختیار داده است تا قبل از انقضای زمان عده که اصولاً سه طهر^(۳) است به زن رجوع کرده و عشق سابق را احیاء نموده و زندگی مشترک سابق را از سر گیرد این مهلت برای شوهرانی که از روی عصبانیت و بدلیل توقعات بی جا و سوء تفاهمات بی مورد اقدام به طلاق همسر خویش نموده اند زمان خوبی است که با تامل به گذشته برگردد خوبیها و بدیهای همسرش را با هم در دو کفه ترازو گذاشته و رفتار خوب و بد خویش را نیز بررسی کند و هرگاه امید به ایجاد محبت و عشق در زندگی با همان همسر در دلش زنده شد، با مراجعه به او و کنار گذاشتن کدورتها بدون نیاز به انعقاد عقدی دوباره با هم یاری مهربان کردند.

۱- ماده ۱۱۰۹ ق م « نفقه در زمان عده برعهده شوهر است .. »

۲- ماده ۹۴۳ ق م « اگر شوهر زن خود را بطلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضای عده بمیرد دیگری از او ارث می برد... »

۳- طهر اول - عبارت است از آنچه پس از طلاق مانده است گرچه لحظه ای پیش از اجرای صیغه طلاق بیشتر نباشد طهر دوم: پس از پایان طهر اول و پایان عادت زنانگی طهر دوم شروع میشود طهر سوم - پس از پایان طهر دوم و پایان عادت زنانگی طهر سوم شروع می شود و برطبق قول مشهور فقها بمحض عادت زنانگی و پایان یافتن طهر سوم عده طلاق پایان می یابد ولی برای زنیکه باوجود قنضای سن بدلیل بیماری عادت زنانگی ندارد عده طلاق سه ماه است و عده زن حامله تا زمان وضع حمل اوست .

با توجه به توضیحات فوق می توان گفت رجعی بودن طلاق موافق با قاعده است و با مصالح زوجین و نیز اراده قانونگذار انطباق کامل دارد لذا جز در موارد محدود که یا تجدید همان سازمان خانوادگی بدلیل عمق اختلاف امکان ندارد و یا ایجاد دوباره آن نهاد با نظم عمومی و صلاح جامعه معارضت دارد، شوهر می تواند با مراجعه به زن پایه های لرزان و نیمه مخروبه این سازمان کوچک را با تزریق عشق مستحکم سازد.

برطبق ماده ۱۱۴۸ ق م « در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عدّه حق رجوع است » بنابراین طلاق رجعی طلاقی است که شوهر می تواند در مدت عدّه نکاح را بحالت اول برگرداند در طلاق رجعی برخلاف آنچه در طلاق بائن خواهد آمد نکاح بوسیله طلاق و انقضاء مدت عدّه منحل می گردد بشرط آنکه شوهر در مدت عدّه رجوع به آن نکرده باشد پس مادام که عدّه منقضی نشده باشد رابطه زوجیت همچنان باقی است و زوجه در زمان عدّه بجز تمکین خاص و ایجاد رابطه جنسی باید همچون قبل از طلاق رجعی به تکالیف ناشی از رابطه زوجیت پایبند باشد و در مقابل ، او در برابر شوهر حقوق مربوط به دوران قبل از طلاق را نیز دارا می باشد مرد مکلف است نفقه زن را تا پایان عدّه بپردازد و زن را در این مدت در منزل مشترک سکنی دهد و در صورت وفات شوهر، زن استحقاق ارث بردن از ماترک شوهر را دارد^(۱). برای بررسی حقوق زن پس از طلاق رجعی لازم است رجوع و ماهیت آن و نیز اختیار یا عدم اختیار رجوع در طلاق قضائی و بدخواست زن در همین مبحث مورد مطالعه قرار گیرد تا در این طلاق حق و تکلیف زن و مرد در مورد رجوع بخوبی

۱- این حقوق بخاطر اینست که برطبق نظر مشهور فقها و نیز بند ۲ ماده ۸ قانون امور حسبی، مطلقه رجعیه زوجه یا در حکم زوجه ست. شهید ثانی در کتاب شرح لمعه جلد دوم ص ۱۵۴ می فرماید: «ان رجعه ترفع حکم الطلاق فیستصحب حکم الزوجیه... لان الرجعیه زوجه ولهدا یثبت لهما احکام الزوجیه».